

## سابقه جنگ بیرق‌ها و نشانه‌ها

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به اقتضای شرایط انقلابی شور و شوق زدودن همه نشانه‌های بازمانده از رژیم سلطنتی فراگیر بود. در حال و هوای آن روزها چنین اقداماتی قابل درک و توجیه بود، اما در این میان یک نکته مغفول ماند و آن تفکیک مخالفت با سلطنت و سلطنت طلبی بود و آنچه با هویت ایرانی و سرزمین ایران ارتباط داشت. پیشنهاد تغییر نام‌های جغرافیایی نظیر تغییر نام خلیج فارس یا تبدیل کرمانشاهان به باختران از این زمره بودند. اما یک نشان و نماد شیعی- ایرانی دیگری نیز بود که به نهاد سلطنت یا خاندان پهلوی هیچ ربطی نداشت و ندارد که متأسفانه بدون توجه به پیشینه و تاریخ آن مشمول تغییر گردید. این نشان همانا نشان شیر و خورشید و به تبع آن نشان شیر و خورشید سرخ ایران بود. تبدیل شیر و خورشید سرخ به هلال احمر تبعات حاصل از آن از جمله مواردی است که تاکنون توجه درخوری به آن نشده است.

• چرا نمی‌توانستیم از هلال احمر استفاده کنیم

اینکه چرا ایران هلال احمر را انتخاب نکرد نکته تاریخی مهمی است که باید سابقه آن را در مناسبات ایران و عثمانی جست و جو کرد. نشان شیر و خورشید بر پرچم ایران در تمام دوره صفوی و عصر قاجاریه نشان مذهب تشیع در مقابل نشان هلال عثمانی که نشان مذهب تسنن بود شناخته می‌شد. (برای تفصیل رجوع کنید به نظر محیط طباطبایی و سیدجعفر شهیدی: مجله آینده، پاییز ۱۳۵۸، شماره ۹-۷، سال پنجم، صص ۷۰۵ و ۷۰۷) جنگ بر سر نمادهای مذهبی و ملی که در قالب تقابل شیر و خورشید ایرانی و هلال ماه و ستاره عثمانی بروز یافته بود بیانگر حساسیت‌هایی بود که در پی مجادلات چندین ساله ایران و عثمانی بر سر افراشتن پرچم بر سر در سفارتخانه‌های خود در اسلامبول و تهران در جریان بود. عبارت «اسدالله الغالب» بر پرچم شیر و خورشید ایران نماد مذهب تشیع محسوب می‌شد و هلال عثمانی نماد تسنن. برافراشتن بیرق‌های مزبور در پایتخت دو کشور گاه باعث بروز تنش شد که با دخالت نیروی نظامی بیرق پایین آورده شد. در نخستین سال‌های حکومت ناصرالدین شاه یعنی از ذیقعد ۱۲۶۸ ق تا شوال ۱۲۷۰ ق یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های بیرق بین ایران و عثمانی درگرفت که بر اثر آن روابط سیاسی ایران و عثمانی رو به تیرگی گذارد و به نقطه‌ای رسید که سفارت ایران در اسلامبول تهدید شد که در صورت افراشتن بیرق حمله نیروی انتظامی و مردم اسلامبول به سفارت ایران در این شهر حتمی خواهد بود. اما بعد طرفین به توافق رسیدند که تنها در مناسبت‌ها و اعیاد ملی یا مذهبی مشترک بین دو کشور طی سال دو سفارت اجازه برافراشتن بیرق هایشان را داشته باشند. (نگاه کنید به مقاله نگارنده «جنگ بیرق، شیر و خورشید ایران در تقابل با ماه و ستاره عثمانی» در

فصلنامه گفت و گو، شماره ۴۳، مهر، ۱۳۸۴ (ص ۸۴) دلیل مهم دیگری که مانع استفاده ایران از هلال ماه و یا صلیب سرخ به عنوان نشان سازمان امداد رسانی بین المللی و «امورات صحتی» و بهداشتی بود مسئله ایجاد پایگاه های قرنطینه و «صحتی» در مرزهای ایران بود، مسئله ای که از مسائل مورد مناقشه میان ایران و عثمانی و انگلستان بوده است. به عنوان مثال در «کنفرانس بین المللی صحتی» به سال ۱۹۰۳ در پاریس ایجاد یک پایگاه قرنطینه در جزیره هرمز برای جلوگیری از وبا و طاعون مورد تصویب قرار گرفت؛ دولت عثمانی برای کنار راندن ایران ادعا کرد که چون این پایگاه قرنطینه را صندوق حفظ الصحة اسلامبول خواهد ساخت و از سوی دیگر ناتوانی و ضعف دولت ایران در نداشتن قشون برای حفاظت پایگاه و اطبا این امکان را به دولت عثمانی می دهد که متولی آن باشد و از آنجایی که جزیره هرمز هم از آن دولت عثمانی است مسئولیت این پایگاه قرنطینه باید به عهده عثمانی باشد. (روزنامه ایران نو، شماره ۶۰، ص ۳، یکشنبه ۲۳ شوال ۱۳۲۷ ق، مرکز اسناد وزارت خارجه، سواد مکاتبات شماره ۱۸۸، ص ۶۶)

نمایندگان ایران در آن کنفرانس ممتاز السلطنه و دکتر امیراعلم از طریق مذاکره با دیگر اعضای کنفرانس زیر بار تحمیل نظرات عثمانی ها، آلمانی ها و انگلیسی ها نرفتند (!) (مرکز اسناد وزارت خارجه، نمایندگی پاریس سال ۳۱-۱۳۳۰ ق، ک ۹۵، پ ۱۰ و ۲۵ و روزنامه ایران نو، شماره ۶۰، ص ۳)

این ایستادگی نمایندگان ایران موجب شد که در بند ۱۸ قرارداد صحتی سال ۱۹۰۳ دولت ایران موظف شود در باب ایجاد قرنطینه و مریضخانه «که شرایط راجع به بیرق مریضخانه و ملیت مستحفظین مسلح حفظ الصحة را کاملاً محفوظ و برقرار دارد...» (آرشیو وزارت خارجه سال ۱۳۳۴ ق، ک ۱۹، پ ۶، س ۲) اقدامات لازم را صورت دهد. با توجه به چنین مناقشه هایی میان ایران و عثمانی، ایران نمی توانست از هلال ماه، که نشان ملی عثمانی ها بود و در فضای سیاسی آن روز معنی حاکمیت عثمانی را داشت، استفاده کند. دلیل مهم دیگری که ایران دوره مظفری به رغم فقدان زمینه های مادی و معنوی برای ایجاد چنین نهادی در ایران فعالانه در کنفرانس های صلیب سرخ شرکت کرده و عضو شده بود و حتی هزینه های سالانه عضویت خود را می پرداخته در درجه اول حاکی از نگرانی ایران از خدشه دارشدن تمامیت ارضی کشور توسط روسیه، انگلستان و عثمانی بود. به عبارت دیگر انگیزه ایران از شرکت در بسیاری از کنفرانس های آن دوره از جمله کنفرانس صلیب سرخ جهانی، تصریح و تاکید بر این نکته بود که ایران و ایرانی کشور و ملتی زنده و پویا است به همین خاطر کسانی که این دغدغه را در سر داشتند از هیچ اقدامی فرو گذار نکنند. تاکید ایران بر استفاده از شیر و خورشید سرخ به جای صلیب سرخ و هلال احمر نیز در این چارچوب قابل

توضیح و پیگیری است. (برای تفصیل بیشتر نگاه کنید به مقاله: «شیر و خورشید سرخ ایران؛ از تدبیری سیاسی تا ضرورتی اجتماعی - ۱۲۸۵ تا ۱۳۰۴ شمسی» گفت و گو، ش ۳۵؛ ص ۷۷)

• ایران بانی هلال احمر و شیر و خورشید سرخ

در کنفرانس صلیب سرخ جهانی که در سال ۱۹۰۶ در ژنو برگزار شد تنها دو کشور مسلمان ایران و عثمانی اجازه حضور داشتند. نماینده عثمانی به دلیل اینکه در کنفرانس صلیب سرخ در سال ۱۹۰۴ شرکت نکرده و قرارنامه منعقد آن را امضا نکرده بود از شرکت در کنفرانس صلیب سرخ در سال ۱۹۰۶ محروم ماند. بنابراین ایران تنها کشور مسلمانی بود که در آن کنفرانس حضور داشت و می بایست به اتفاق اعضای دیگر در مورد نماد و نشانه پرچم امدادسانی که همانا صلیب سرخ بود تصمیمی نهایی می گرفت. این کنفرانس در شرایطی تشکیل شد که جو به شدت بر ضد عثمانی و مسلمانان بود و جهان در آستانه دسته بندی

کشورها برای آغاز جنگ جهانی اول قرار داشت، دولت های مسیحی به خصوص نمایندگان دولت های بالکان، چنان بر ضد عثمانی و قرارداد هلال ماه به عنوان نشان پرچم سازمان امدادسانی کشورهای مسلمان موضع گیری کردند که گمان می رفت تنها صلیب سرخ و شیر و خورشید سرخ به عنوان نشان های رسمی مورد تصویب قرار گیرد، اما دفاع ممتاز السلطنه از هلال ماه موجب دگرگونی فضای کنفرانس شد. این امر گویای آن است که خواست حفظ منافع مسلمانان برای او بسیار قوی بوده است. (آرشیو وزارت خارجه سال ۱۳۲۵ ق، ک ۲۷، پ ۱) و این در حالی بود که نمایندگان دیگر کشورهای آسیایی - مانند ژاپن، چین، سیام (تایلند) \_ بدون کوچک ترین مخالفتی صلیب سرخ را پذیرفتند.

در این کنفرانس نماینده ایران صمدخان ممتاز السلطنه طی نطقی اظهار داشت با اینکه صلیب مذهبی مورد احترام آیین اسلام است و نباید ذره ای بی احترامی نسبت به صلیب عیسی کرد اما به دلیل پاره ای ملاحظات تاریخی و از آنجا که سابقاً صلیب علامت جنگ و جهاد با ممالک اسلامی بوده شاید اثر سویی در بین مسلمانان داشته باشد و اینان پذیرای خدمات بهداشتی و امدادسانی تحت پرچم صلیب سرخ نشوند. بنابراین درخواست کرد که اجازه داده شود کشورها علامت ملی خود را داشته باشند. این نطق ممتاز السلطنه اثر مثبت بخشید و به رغم سعایت کشورهای مسیحی و بالکان هلال احمر به عنوان پرچم امدادسانی کشورهای مسلمان مورد تصویب قرار گرفت.

بنابر گزارش گزارشگر روزنامه حبل المتین: «به کوری چشم منکرین حسن ایرانیان... جناب ممتاز السلطنه سفیر دولت ایران در ژنو... اول کارش برهم زدن شرط صلیب بود [دوم] اختیارداشتن هر دولت که نشان دولتی خود را به رنگ سرخ بر بیرق نصب

کند.» (مرکز اسناد وزارت خارجه سال ۱۳۲۵ ق، ک ۲۵، پ ۱، سند ۹۷، ۹۸، ۱۵۱ و روزنامه حبل المتین، شماره ۴۸، شعبان ۱۳۲۴ ق، ص ۱۶)

این تلاش ممتازالسلطنه در حفظ حقوق مسلمانان و دولت عثمانی باعث شد منیر پاشا سفیر کبیر عثمانی در پاریس شخصاً به حضور ممتازالسلطنه رفته و قدردانی نماید و سلطان عثمانی پیام تشکر و قدردانی برای وی ارسال کند، در حالی که در آن برهه بر سر مسائل مرزی مجادلات پرتنشی بین دو کشور جاری بود. اما با وجود این مناقشات نماینده ایران نه تنها با هلال ماه ابراز خصومت نکرد بلکه پایمردی و تلاش وی باعث شد هلال احمر جزء پرچم های امدادسانی بین المللی شود، در حالی که می توانست فقط بر روی شیر و خورشید سرخ تاکید کند.

میرزانشاه خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه وقت در نامه ای به رضا ارفع الدوله از اقدام ممتازالسلطنه در حفظ حقوق مسلمانان و دول عثمانی تقدیر کرده و می نویسد: «ممتازالسلطنه ... نظر به جامعیت اسلام... در واقع عصبیت کامل بروز داده است...» (همان، سند ۱۵۱)

به دلیل حضور قوی و توانمند ممتازالسلطنه در آن کنفرانس، وی به عنوان تنها نماینده مسلمان و تنها نماینده کشورهای آسیایی در کمیسیون تدوین اساسنامه جدید و نهایی کنفرانس ژنو برگزیده شد. قرار گرفتن نشان های شیر و خورشید سرخ و هلال احمر در کنار صلیب سرخ بر پرچم سازمان های امدادسان بین المللی در این کمیسیون تصویب شد. گزارشگر روزنامه حبل المتین در این باره می نویسد: «... جناب ممتازالسلطنه را در دو کمیسیون جزء منتخب کرده سمت ریاست هم داشت و درست هم از عهده برآمد، چنان که اخبارات اروپا خیلی تعریف و تمجید از علم و دانش و سیاست وی می کردند، با وجود این که اروپائیان هرگز راضی نخواهند شد کسی از آسیائیان را همسر خود بدانند تا چه رسد به برتری.» (وزارت امور خارجه سال ۱۳۲۵ ق، ک ۲۷، پ ۱، س ۸۲ و روزنامه حبل المتین، همان) عضویت ممتازالسلطنه در کمیسیون تدوین قرارنامه جدید باعث شد فصل ۱۸ قرارنامه که مربوط به استفاده تنها از علامت صلیب سرخ بود تغییر یابد و هلال احمر و شیر و خورشید سرخ نیز به نشان های پرچم های سازمان های امدادسانی اضافه شوند. او در نامه ای به وزارت خارجه می نویسد: «... چاکر به انجام این خدمت و [...] موفق شد و دیگر حالا کسی نمی تواند ایرادی بکند و دولت علیه مختار است که از حالا قدغن بفرماید که اداره صحیه ایران بیرق خود را شیر و خورشید سرخ روی پرده سفید قرار بدهد.» (وزارت خارجه نمایندگی لندن، سال ۴-۱۳۳۳، ک ۱۶، پ ۲۹۲) در چنین شرایطی نماینده کاردان و پرتلاش ایران در کنفرانس صلیب سرخ سال ۱۹۰۶ ژنو به رغم میل برگزارکننده کنفرانس موفق به

ثبت و قبولاندن هلال احمر و شیر و خورشید سرخ به دیگر اعضای کنفرانس شد. متأسفانه این پیروزی دستگاه دیپلماسی ایران و ممتازالسلطنه وزیرمختار ایران در پاریس در تاریخ نویسی پهلوی اول نادیده ماند و مفقود گردید، زیرا اساس تاریخ نویسی پهلوی اول بر تخطئه وجوه مثبت دیپلماسی دوره قاجار بود.

• ستاره سرخ داود در تقابل شیر و خورشید سرخ

بعد از انقلاب اسلامی عدم آگاهی نسبت به این گذشته باعث شد نه تنها این بی توجهی پهلوی اول نسبت به این اقدام مثبت ترمیم نگردد، بلکه نشان شیر و خورشید سرخ هم از میان پرچم سازمان امدادرسانی ایران حذف شد و هلال احمر جانشین آن شد. در سال ۱۳۵۸ دولت ایران طی نامه ای به صلیب سرخ جهانی اعلام کرد ایران علامت هلال احمر را جایگزین شیر و خورشید سرخ خواهد کرد.

لیکن به رغم عدم استفاده ایران از نشان شیر و خورشید سرخ، این علامت کماکان در کنار هلال احمر و صلیب سرخ به عنوان علامت پرچم امدادرسانی بین المللی مورد قبول صلیب سرخ جهانی بوده است.

خطری که امروز با آن مواجه هستیم تلاش برای تغییر اساسنامه صلیب سرخ مصوبه سال ۱۹۰۶ ژنو از سوی آمریکا و اسرائیل است. این تلاش از سال های گذشته بود. ولی با توجه به خصومت آمریکا و اسرائیل با ایران، قطعاً در آینده پرچم شیر و خورشید سرخ به عنوان یک پرچم امدادرسانی بین المللی حذف خواهد شد. با مرور تلاش اسرائیل و آمریکا می توان پی به این مهم برد.

دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۹م از صلیب سرخ جهانی درخواست نمود که ستاره داود به عنوان یک علامت بین المللی برای امدادرسانی توسط صلیب سرخ به رسمیت شناخته شود اما صلیب سرخ این پیشنهاد را رد کرد. از سال ۱۹۶۵ صلیب سرخ آمریکا شروع به همکاری با ستاره سرخ داود کرده و کمک های آموزشی و فنی در اختیار آنان می گذارد. از سال ۱۹۷۱ صلیب سرخ

آمریکا خواستار افزودن تبصره ای به قوانین صلیب سرخ جهانی شد که بر اساس آن ستاره سرخ داود به رسمیت شناخته شود و از آن سال مداوم فشار فزاینده ای بر صلیب سرخ جهانی وارد آورده است و هر ساله با تبلیغات گسترده و تشکیل کمیته های کاری سعی نموده فشار را بر صلیب سرخ جهانی ادامه دهد. در سال ۱۹۸۹م صلیب سرخ آمریکا ستاره سرخ داود را به عنوان یک نهاد خواهر به رسمیت می شناسد و از سال ۱۹۹۰م صلیب سرخ آمریکا شروع به مذاکره با تک تک کشورها کرده تا نظر آنان را برای

پذیرش عضویت ستاره داود در صلیب سرخ جلب نماید. از سال ۱۹۹۷ دولت آمریکا هزینه ها و مخارج این امر را متحمل می

شود و از سال ۱۹۹۸ فرستادگان صلیب سرخ آمریکا به شکل گسترده ای به کشورهای مختلف سفر کرده که نظر آنان را جلب

نمایند. در سال ۲۰۰۰ ستاره سرخ داود اسرائیل از صلیب سرخ جهانی درخواست کرد به دلیل عدم استفاده دولت ایران از شیر و خورشید سرخ، صلیب سرخ جهانی آن را حذف و ستاره سرخ داود را جایگزین شیر و خورشید سرخ کند (سایت صلیب سرخ آمریکا). این درخواست اسرائیل با حمایت قوی آمریکا همراه بود، به همین جهت صلیب سرخ جهانی درخواست اسرائیل را به دولت ایران ارسال و نظر ایران را خواستار شد که خوشبختانه نمایندگی دولت ایران در ژنو این درخواست را رد و اعلام کرده است که ایران کماکان شیر و خورشید سرخ را قبول دارد اما فعلاً استفاده از آن را مسکوت گذاشته است. علاوه بر آن به موازات درخواست اسرائیل برخی کشورهای دیگر هم درخواست کرده بودند که آنان هم نشان ملی خودشان را به کار ببرند که با مخالفت صلیب سرخ جهانی مواجه گردید و شاید این مسئله باعث گردید که صلیب سرخ جهانی را در مقابل فشار اسرائیلی ها و آمریکایی ها مقاومت کنند و به آنان گوشزد کنند که پذیرش ستاره داود باعث درخواست کشورهای دیگر هم شود.

دولت آمریکا که ۲۵ درصد هزینه صلیب سرخ جهانی را می پرداخت از سال ۲۰۰۰ کمک های مالی و سهمیه اش را به صلیب سرخ قطع کرده و به صلیب سرخ جهانی فشار آورده که باید در قوانین و اساسنامه سال ۱۹۰۶ صلیب سرخ تجدیدنظر شود و ظاهراً در این خواسته حمایت بسیاری از کشورها را به دست آورده است. می توان پیش بینی نمود که در آینده نزدیک این فشار تاثیر خود را بگذارد و این تجدیدنظر صورت خواهد گرفت. اولین پیامد آن حذف شیر و خورشید سرخ به دلیل استفاده نکردن ایران از آن و عضویت ستاره سرخ داود و یا دست کم تامین نظرات اسرائیل و آمریکا خواهد بود. ایران برای آینده چه برنامه ای خواهد داشت؟ جز خبر دفاع نماینده ایران در ژنو از پرچم شیر و خورشید سرخ در مقابله با اسرائیلی ها، که آن هم به طور غیررسمی و کلی انتشار یافت، هیچ اطلاع دقیقی از جزئیات امر در اختیار عموم گذاشته نشده است.

زیرکی و تدبیر سیاسی نماینده وقت ایران (ممتاز السلطنه) در کنفرانس ۱۹۰۶ ژنو در حالی که آن سال ها مقارن بود با تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ روس، انگلیس و برنامه عثمانی ها برای تجزیه نواحی شمال غرب ایران و تلاش و استفاده از هر دستاویز برای حفظ تمامیت ارضی ایران، باعث قبولاندن پرچم شیر و خورشید سرخ شد که معنای ضمنی آن تلاش برای تداوم حیات ایران در جامعه بین الملل بوده است.

به جرأت می توان گفت اقدام ممتاز السلطنه را امروز یک گروه پنجاه نفره با تمام حمایت های مالی و بین المللی نمی توانند انجام دهند، چنانکه آمریکا و اسرائیل ده ها سال با آن قدرت و توانایی نتوانستند ستاره سرخ داود را به صلیب سرخ جهانی بقبولانند در حالی که ایران آن سال ها حتی توانایی پرداخت هزینه سفر ممتاز السلطنه به ژنو را نداشت و او خود هزینه های

سفرش را پرداخت. آیا برای ایران که در بدترین شرایط سیاسی، که در آستانه تجزیه و محو کامل استقلالش بود، اقدام نماینده ایران قابل تقدیر و قدردانی نبود که توانست در میان دولت های مختلف پرچم شیر و خورشید سرخ را جهانی کند. آیندگان چگونه قضاوت خواهند کرد اگر موفقیتی را که با چنگ و دندان و در بدترین شرایط ممکن به دست آمده را اینچنین از دست بدهیم؟

پی نوشت:

۱- آلمانی ها که متحد سنتی عثمانی در آن برهه بودند با این ادعای عثمانی ها موافقت کردند و از سوی دیگر انگلیسی ها نیز به دلایل مطامع خاص خود در خلیج فارس مخالف سرپرستی این پایگاه توسط ایرانیان بودند.